

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۷

هزار و سیصد و نود و پنج - نیمسال اول

- تحلیل آثار حبس بر زندانیان زن در پرتو نظریه «قوانین تقلید» گابریل تارد
مهدی فضلی - شهین دارابی‌پناه ۵
- شهادت از راه دور (تحلیل ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی)
دکتر ابوالقاسم خدادادی - علی خالدی ۳۳
- سنجش تأثیرپذیری از روانشناسی شهادت در رویه عملی دادرسی‌های شهر تهران
دکتر محمد آشوری - آسیه اکبری شارک ۵۷
- تحریم‌های یکجانبه علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل کیفری: جنایت علیه بشریت؟
دکتر سید قاسم زمانی - حسین فرحی - دکتر آرامش شهبازی ۸۷
- تقارن مسؤولیت بین‌المللی فرد و دولت در قبال تجاوزات فرسنگی
هیلا رضائی - دکتر صادق سلیمی ۱۰۷
- جلوه‌های ترمیمی معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق
فاطمه السادات قریشی محمدی - دکتر مهدی مومنی ۱۲۵





تحلیل آثار حبسی بر زندانیان زن در پرتو نظریه «قوانین تقلید» گابریل تارد

مهدی فضلی* - شهین دارابی پناه**

چکیده

زندان به عنوان اصلی‌ترین کیفر، در تمامی کشورهای دنیا با انتقادهای فراوانی روبه روست؛ یکی از مهم‌ترین انتقادهای وارد بر این مجازات، تقلید و یادگیری اعمال مجرمانه در داخل زندان است و از آنجا که تئوری یادگیری جرم به صورت نظام‌مند نخستین بار در آثار گابریل تارد اندیشمند فرانسوی مطرح و منجر به ارائه قوانین سه‌گانه تقلید توسط وی شد؛ لذا هدف اصلی از انجام این تحقیق آن است که یادگیری بزه توسط زندانیان را در پرتو «قوانین سه‌گانه تقلید» تارد مورد واکاوی قرار دهد.

روش تحقیق، پیمایشی - توصیفی و ابزار مورد استفاده، پرسش‌نامه پژوهشگر ساخته بوده است. روایی پرسش‌نامه‌ها مورد تأیید اساتید علوم اجتماعی و حقوق قرار گرفته و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ $0/73$ به دست آمده است. جامعه آماری مورد مطالعه نیز کلیه زنان زندانی ایرانی مقیم سه زندان زنجان، قم و اراک به تعداد 130 نفر بوده است، که در سال 1391 در زندان به سر می‌بردند. در راستای راستی‌آزمایی نظریه «قوانین تقلید» تارد، سه فرضیه بر اساس قوانین وی مطرح و سپس با استفاده از آمار توصیفی، آزمون F و ضریب همبستگی به تجزیه و تحلیل آماری پرداخته شد. در این مقاله نوع جرم زندانیان متغیر مستقل و قوانین سه‌گانه گابریل تارد به عنوان متغیر وابسته تعیین شدند.

از سه فرضیه مطرحه دو فرضیه اثبات و یک فرضیه رد شد. به عبارتی بین دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان و نوع جرم ارتباط وجود داشت؛ همچنین بین نوع جرم و تأثیرپذیری از مد ارتباط وجود داشت؛ در حالی که بین سابقه‌داری و نوع

جرم ارتباط معنی‌داری به دست نیامد.

کلیدواژه‌ها:

حبس، یادگیری، نظریه شناختی - اجتماعی، بزه‌کاران حرفه‌ای، قوانین تقلید، گابریل تارد.

مقدمه

توجه به سیر تحول جرم‌شناسی نشان می‌دهد که اندیشمندان و جرم‌شناسان مختلف در طول عمر نسبتاً کوتاه جرم‌شناسی علمی، در تلاش بوده‌اند که جرم را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار دهند؛ برخی از جرم‌شناسان، جرم را از منظر زیستی، برخی دیگر، از بُعد روانی و عده‌ای دیگر از لحاظ اجتماعی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی دیگر نیز به جرم‌شناسی تاخته و با رویکردهایی انتقادی، بزه و بزه‌کار را مولود شرایط و بسترهای اقتصادی - سیاسی و اجتماعی دانسته‌اند. در میان خیل نظریات جرم‌شناختی، از جمله نخستین نظریه‌هایی که در حوزه روانی و اجتماعی جرم‌شناسی مطرح شده، نظریات «جین گابریل د تارد» مشهور به گابریل تارد^۱ می‌باشد. تارد نتایج نظریه خود در جرم‌شناسی را تحت عنوان «قوانین تقلید» مطرح نمود و اساس نظریه خود را بر یادگیری پدیده بزه استوار نمود؛ این نظریه از دو جهت دارای اهمیت اساسی است؛ یکم اینکه این نظریه در تقابل با نظریه‌های مکتب تحقیقی و در روزگاری مطرح شد که عقاید سزار لمبروزو^۲ و پیروان مکتب تحقیقی بر جرم‌شناسی حاکم بود و جرم‌شناسان در پی آن بودند که اثبات کنند جرم بر اثر عوامل جبری و به واسطه نقیصه‌های زیستی و مشکلات اجتماعی به وجود می‌آید، نظریه تارد شالوده فرضیات مکتب تحقیقی را دیگرگون کرد و نوک پیکان مباحث جرم‌شناسی را به عوامل روانشناختی و جامعه‌شناختی متوجه ساخت و تا آنجا پیش رفت که در مخالفت با نظریات مکتب تحقیقی، اصطلاح «مجرم حرفه‌ای» را جایگزین مجرم مادرزاد کرد^۳. اهمیت دوم نظریات وی در این بود که نظریه او در جرم‌شناسی نه تنها به سرعت فراموش نشد، بلکه پس از تارد جرم‌شناسان دیگری، همچون «کلیفورد شاو»^۴ و «هنری مک کی»^۵ در مکتب شیکاگو با ارائه نظریه انتقال

1. Jean-Gabriel De Tarde (Gabriel Tarde)

2. Cesare Lombroso

۳. علی حسین نجفی ابرندآبادی، حمید هاشم بیگی، *دانشنامه جرم‌شناسی* (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۰)، ۲۶۸.

4. Clifford Shaw

5. Henry Mackay

فرهنگی، «ادوین ساترلند»^۶ با ارائه نظریه معاشرت ترجیحی و نهایتاً «اسکینر»^۷، «جفری»^۸، «رونالد آکرز»^۹ و «برگس»^{۱۰} نظریه پردازان تئوری یادگیری اجتماعی، بنیان تمام یا قسمتی از نظریات خویش را بر تقلید و یادگیری بزه قرار دادند؛ به جرأت می توان گفت که مهم ترین تأثیر افکار تارد در شکل گیری نظریه معاشرت های ترجیحی و افتراقی و فرایندهای یادگیری رفتار ضداجتماعی ساترلند می باشد.^{۱۱}

گابریل تارد یادگیری و تقلید را سبب اصلی ارتکاب بزه می دانست. وی تقلید رفتار مجرمانه را «شباهت شیوه های رفتاری بزهکاران یک منطقه مشترک در یک زمان مشترک» تعریف می کرد.^{۱۲} همچنین معتقد بود که تاریخ جوامع، تحت حاکمیت این واقعیت است که انسان ها به طور نامحدود از یکدیگر تقلید می کنند.^{۱۳}

مطالعات بعدی در روانشناسی نیز نشان داد که یادگیری اولیه از والدین و اعضای خانواده صورت می پذیرد. اکنون بررسی های روانشناختی - جرم شناختی اثبات کرده است که خانواده نقش فراوانی در فرایند اجتماعی سازی فرزندان و یا بزهکاری آنان دارد. محیط خانوادگی سالم، فرهنگی، امن و سرشار از آسایش نقش به سزایی در بهنجارسازی آینده اجتماعی کودکان دارد و برعکس، محیط خانوادگی ناامن و آشفته، سبب خروج فرزندان از خانواده و پناه بردن به آغوش گروه های اجتماعی منحرف خواهد شد. در سنین بلوغ مسأله ای مهم تر از پذیرش در گروه های اجتماعی وجود ندارد و این پذیرش مهم تر از تمایلات عاطفی والدین است و در مورد فرزندان خانواده های از هم پاشیده، این تمایل دوچندان می شود، لکن گروه نمی تواند خلأ عاطفی والدین را جبران کند.^{۱۴}

یادگیری فرایندی ذهنی است که در تمامی عمر می تواند همراه انسان باشد؛ انسان در تمامی مراحل عمر در حال آموختن است و در مواجهه با دانش و تجربیات جدید، سعی در به یادسپاری یا تقلید از آنها دارد. به همین دلیل، فضای زندان نیز می تواند محیطی نامناسب

6. Edwin Sutherland

7. Skinner

8. Jeffery

9. Ronald Akers

10 Burgess

۱۱. نجفی ابرندآبادی، پیشین، ۲۶۸.

۱۲. موریس کسن، اصول جرم شناسی، ترجمه میر روح الله صدیق (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۷)، ۹۳.

۱۳. نجفی ابرندآبادی، هاشم بیگی، پیشین، ۲۶۸.

۱۴. سیروس عظیمی، روانشناسی عمومی (تهران: انتشارات صفار، ۱۳۷۲)، ۵۱۵.

برای یادگیری رفتارهای بزهکارانه باشد.

زندان، به عنوان کیفر سالب آزادی، از اواخر قرن هیجدهم مورد توجه ویژه اندیشمندان و قانون‌گذاران عرصه حقوق کیفری قرار گرفت؛ اندیشمندان قرن هیجدهم معتقد بودند که با استفاده از حبس می‌توان در راستای اصلاح و بازپروری مجرمان کوشید و از افراد خاطی، شهروندانی مطیع قانون ساخت. اما ناکارآمدی نظام حبس از همان سال‌های اولیه استفاده گسترده آن، بر همگان آشکار شد و روشن گردید که نه تنها اصلاح و بازپروری از طریق به زندان افکندن بزهکار تأمین نمی‌شود، بلکه زندان محیط جرم‌زایی است، به گونه‌ای که بزهکاران اتفاقی و مبتدی در کنار مجرمین حرفه‌ای قرار گرفته و «در همین باشگاه است که بزهکار جوانی که نخستین محکومیتش را در آنجا می‌گذارند، آموزش می‌بیند و نخستین میلی که در او زاده می‌شود این است که از کارکشته‌ها یاد بگیرد چگونه از چنگ سخت‌گیری‌های قانون بگریزد»^{۱۵}. بنابراین یکی از مهم‌ترین ایرادهای وارد بر حبس، جرم‌زا بودن محیط زندان و یادگیری رفتارها و شگردهای مجرمانه در داخل محیط زندان است. پرسش اینجاست که اگر زندان را محیطی مؤثر برای یادگیری بزه و روش‌های آن بدانیم، در این صورت قوانین سه‌گانه تارد تا چه میزان در این زمینه صحت خواهند داشت؟ و تا چه اندازه می‌تواند بستری علمی برای یادگیری اعمال مجرمانه در داخل زندان ارائه کنند؟ از آنجا که قوانین مزبور تاکنون در یک تحقیق تجربی - پیمایشی مورد راستی‌آزمایی قرار نگرفته و صحت آنها اثبات نشده است، لذا در راستای واکاوی این موضوع، در این تحقیق تلاش شده پس از مطالعات کتابخانه‌ای در زمینه نظریه گابریل تارد، نقش تقلید در ارتکاب بزهکاری زنان در زندان‌ها، مورد توجه قرار گیرد؛ در این راستا، تمامی انواع جرایم ارتكابی توسط جامعه زنان زندانی مورد مطالعه (شامل سرقت، قتل، رابطه نامشروع، سایر جرایم علیه اشخاص، آدم‌ربایی، جرایم اقتصادی و سایر جرایم) مورد بررسی قرار گرفته‌اند، هرچند که در این میان سه جرم نخست شایع‌تر و بیشتر و لذا بیشتر مورد توجه بوده‌اند؛ سپس با استفاده از پرسش‌نامه به بررسی آثار منفی حبس پرداخته شده و با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های آماری به صورت کارآمد و عملی آثار منفی حبس بر زندانیان زن ایرانی در سه شهر مختلف مورد مطالعه قرار گیرد تا از این رهگذر راستی‌قوانین تقلید تارد در زندان‌ها آزموده شود. راستی‌آزمایی، پژوهش اولاً به

۱۵. میشل فوکو، *مراقبت و تنبیه تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده (تهران: نشر نی،

صورت پیمایشی (میدانی) و ثانیاً به صورت میان رشته‌ای انجام پذیرفته و تلاش شده از یافته‌های رشته‌های حقوق، جرم‌شناسی، روانشناسی و آمار در کنار هم استفاده شود.

۱- یادگیری بزه در قوانین تارد

کیمبل^{۱۶} یادگیری را تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه - که در نتیجه تمرین تقویت شده باشد - تعریف کرده است.^{۱۷} یادگیری افراد از طریق تداوی به سه شیوه صورت می‌گیرد؛ ساده‌ترین شیوه، شرطی شدن کلاسیک است. شرطی شدن کنشی، طریق دوم یادگیری از طریق تداوی است و یادگیری اجتماعی، شیوه سوم یادگیری از طریق تداوی می‌باشد.^{۱۸} مطالعات شرطی‌سازی کلاسیک به ایوان پترویچ پاولف^{۱۹} باز می‌گردد. در آزمایش پاولف آزمایش‌شونده از طریق شرطی شدن - یعنی تداوی یک محرک فیزیولوژیک با یک محرک غیرفیزیولوژیک - پاسخ را یاد می‌گیرد.^{۲۰} شرطی شدن کنشی اما حاصل تلاش‌های بی. اف. اسکینر^{۲۱} است؛ در این نوع شرطی شدن - برخلاف شرطی شدن کلاسیک - اراده فرد و همچنین پاداش و تنبیه الگو نقش مهمی در یادگیری دارد. سومین نوع یادگیری از طریق تداوی، یادگیری اجتماعی است که اساس نظریه تارد نیز بر این نوع یادگیری استوار است. نظریه یادگیری اجتماعی بر این باور است که رفتار می‌تواند در سطح شناختی و مشاهده اعمال دیگران آموخته شود و بدین ترتیب وقتی یادگیری تحقق یافت، مانند هر رفتار کنشی دیگر، با پیامدهای خود، تقویت یا تنبیه شود.^{۲۲} اساساً نظریه تارد یک نظریه شناختی است. نظریه شناختی، بر مبنای مشاهده رفتار دیگران بنیان‌گذاری شده و بر این باور است که انسان به صرف مشاهده رفتارهای دیگران می‌تواند آن رفتارها را یاد بگیرد. به فردی که مورد مشاهده قرار می‌گیرد، «سرمشق» [الگو] گفته می‌شود. رفتارهایی چون تقلید و همانندسازی از جمله فرایندهایی است که در این خصوص به آنها توجه می‌شود.^{۲۳}

16. Kimble

۱۷. بی. آر هرنگنهان، میتوچ اولسون، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی‌اکبر سیف (تهران: انتشارات دانا، ۱۳۷۴)، ۴۵.

۱۸. جرج ولد و همکاران، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شایان (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳)، ۲۴۸.

19. Pavlov

۲۰. حسین زارع، روانشناسی یادگیری (تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور)، ۶۰.

21. B. F. Skinner

۲۲. پریخ دادستان، روانشناسی جنایی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶)، ۸۸.

۲۳. حسین زارع، روانشناسی عمومی (تهران: انتشارات پیام نور، ۱۳۹۰)، ۲۴۰.

پس از گابریل تارد در علم روان‌شناسی، اندیشمندان فراوانی به پدیده یادگیری و تقلید پرداختند، که از مهم‌ترین آنها می‌توان به آلبرت بندورا^{۲۴} (۱۹۲۵) اشاره کرد. تحقیقات او در زمینه علل خانوادگی پرخاشگری، نقش عمده تأثیرپذیری از سرمشق را مورد توجه قرار می‌دهد. در حقیقت پنجاه سال پس از انتشار نظریات تارد، بندورا نظریات ساده تارد را تکمیل کرد. نظریه بندورا به نظریه شناختی اجتماعی معروف است. بندورا برای یادگیری مشاهده‌ای چهار فرایند مؤثر را نام می‌برد: ۱. توجه؛ ۲. یادداری؛ ۳. تولید رفتار؛ و ۴. انگیزش^{۲۵}. و در مرحله سوم، یعنی مرحله تولید رفتار است که تقلید واقع می‌شود. برای تبیین نقش فرد در یادگیری مشاهده‌ای، می‌توان این فرایند را در سه مرحله بررسی کرد: ۱. مشاهده؛ ۲. اکتساب؛ ۳. پذیرش^{۲۶}.

دو مرحله اول و دوم ممکن است رخ دهد، ولی به مرحله سوم نیانجامد؛ یعنی فرد در معرض مشاهده و یادگیری، به ویژه یادگیری اعمال مجرمانه قرار گیرد، ولی به تقلید و انجام عمل نپردازد. همچنین پذیرش می‌تواند به صورت «تقلید» یا «تقابل» باشد. تقلید متضمن تکرار رفتار سرمشق به وسیله یادگیرنده است در حالی که تقابل رفتاری است مخالف آنچه که الگو انجام داده است^{۲۷}. در حقیقت، علاوه بر اینکه ممکن است فرد همان رفتار فرد مشاهده‌شده را مورد تقلید قرار دهد، گاهی نیز امکان دارد رفتاری عکس آن عمل را انجام دهد به طوری که تنبیه فرد الگو و مشاهده شکست وی منجر به تقابل گردد. تارد به این نکته نیز توجه داشته و در همین زمینه می‌نویسد: «ما به وسیله تقلید است که مرتکب قتل می‌شویم یا دست به ارتکاب قتل نمی‌زنیم»^{۲۸}.

تقلید اصولاً از اطرافیان صورت می‌گیرد؛ برای نمونه کودک از والدین خویش تقلید می‌کند. تقلید کودک از والدین خویش در ابتدا جنبه آگاهانه دارد و سپس جنبه ناخودآگاه می‌گیرد. همانندسازی و تقلید، کیفیت اجتماعی شدن در کودک را تشکیل می‌دهد^{۲۹}. تارد معتقد بود در اجتماع سه نوع تقلید وجود دارد: الف: تقلید از نزدیکان؛ ب: تقلید زبردستان از بالادستان؛ و ج: تقلید از مد. بر همین مبنا، تارد نظریه خود را با عنوان «قوانین سه‌گانه تقلید»

24. Albert Bandur

۲۵. حسین زارع، روانشناسی یادگیری، پیشین، ۶۰

۲۶. پروین کدیور، روانشناسی یادگیری (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶)، ۸۶.

۲۷. همان، ۸۷.

۲۸. کسن، پیشین، ۹.

۲۹. عظیمی، پیشین، ۳۶۳.

مطرح نمود و الگوی ساده فوق را برای تقلید طراحی و معرفی نمود. در ادامه به بررسی این سه نوع تقلید پرداخته شده و تأثیر و تبعات این نوع تقلید در زندان مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱- تقلید از نزدیکان

نخستین، قانون تارد این است که مردم به تناسب «برخورد نزدیکی» که باهم دارند از یکدیگر تقلید می‌کنند. از این رو تقلید در شهر شایع‌تر است و با سرعت بیشتری تغییر می‌یابد. با توجه به قانون اول تارد، میتوان دریافت که وی معتقد است، شایع‌ترین نوع تقلید، از نزدیکان صورت می‌گیرد؛ کودک در ابتدا از والدین و اعضای خانواده خویش تقلید می‌کند و پس از ورود به مدرسه از دوستان و معلمان تقلید می‌کند.

در روانشناسی نیز این امر اثبات شده که معمولاً کودکان رفتار والدین خود را براساس تقلید فرا می‌گیرند و به ویژه، تقلید کردار و گفتار پدر به وسیله پسر و مادر به وسیله دختر رخ می‌دهد^{۳۰}. این تقلید از نزدیکان - و به ویژه والدین بزهکار - می‌تواند منجر به بزهکاری کودکان گردد. به عبارت بهتر، والدین بزهکار، فرزندان مجرم پرورش خواهند داد. هنجارهای اجتماعی در این خانواده‌ها آموزش داده نمی‌شود و قانون‌شکنی نه تنها قبیح نیست، بلکه گاهی از افتخارات فرد محسوب می‌شود. نتیجه یک تحقیق در ایران نشان می‌دهد که در بین اقوام نزدیک ۸۱ درصد پاسخ‌دهندگان زندانی که سابقه تکرار جرم داشته‌اند، حداقل یک بزهکار وجود داشته است^{۳۱}.

پس از خانواده، دوستان و همنشینان مهم‌ترین تأثیر را در بزهکاری فرزندان دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که دوستان می‌توانند در تشویق یا بازداشتن از بروز رفتار بزهکارانه، مؤثر باشند. در این خصوص، از دو دسته یافته‌ها می‌توان استفاده کرد:

۱. افراد بالغ دارای دوستان بزهکار، با احتمال بیشتری به سوی رفتار بزهکارانه کشیده می‌شوند.

۲. احتمال دارا بودن دوستان بزهکار برای افراد بزهکار، در مقایسه با افراد غیربزهکار،

۳۰. همان، ۳۶۳.

۳۱. غلامعباس توسلی، مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲)، ج ۱،

بیشتر است که به نظر می‌رسد هر دو مورد صحیح باشد.^{۳۲}

نظریه تارد، همان‌گونه که می‌تواند ارتکاب نخستین رفتار بزهکارانه را توجیه کند، می‌تواند در تکرار یا عودت بزه هم قابل توجه باشد. به ویژه این امر در مورد زندانیانی که پس از تحمل کیفر، مجدداً مرتکب جرم می‌شوند، می‌تواند مصداق داشته باشد؛ یکی از مهم‌ترین راه‌های یادگیری روش‌های بزهکاری در داخل محیط زندان، ایجاد روابط دوستانه بین زندانیان است؛ کسانی که در زندان هستند از لحاظ خانوادگی، اقتصادی، روانی و... دارای مشکلات عدیده‌ای هستند و با ورود به آنجا مشکلاتشان افزون‌تر می‌شود؛ آنها از سوی خانواده و دوستان طرد شده و دوستان جدید بزهکاری در داخل زندان می‌یابند، و همچنین روش‌های بزهکارانه بیشتری را از یکدیگر می‌آموزند و همین موضوع زمینه سوق دادن آنان به فعالیت‌های بزهکارانه هرچه بیشتر را در بین آنها فراهم می‌آورد. کسانی که برای ارتکاب جرایم خرد به زندان می‌روند، در مدت کوتاهی پس از آزادی از زندان مرتکب جرایم دیگر می‌شوند.

در کشور ما چهل درصد زندانیان در ارتباط با جرایم مربوط به مواد مخدر در زندان به سر می‌برند.^{۳۳} نتیجه یک بررسی آماری در زندان‌ها نشان می‌دهد که فقط هشت و نیم درصد محکومان به جرایم مرتبط با مواد مخدر، برای دومین بار به جرم دیگری دست زده‌اند، در صورتی که همه مرتکبان جرایم خرد، در مرتبه بعدی مرتکب جرم دیگری شده‌اند.^{۳۴} در حقیقت نتیجه این تحقیق بیانگر آن است که مرتکبین جرایم خرد تحت تأثیر محیط زندان که اغلب به صورت یادگیری و تقلید از دیگر زندانیان است جرایم دیگری را می‌آموزند و با توجه به اینکه چهل درصد زندانیان به علت ارتکاب بزه‌های مربوط به مواد مخدر در زندان می‌باشند^{۳۵}، لذا چنین به نظر می‌رسد که محیط زندان خود آموزشی مؤثر برای یادگیری جرایم مربوط به مواد مخدر باشد.

۳۲. یان مارش و همکاران، نظریه‌های جرم، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۹)، ۱۵۷.

۳۳. مسعود رضایی‌نسب، «آسیب‌های موجود در زندان»، اصلاح و تربیت ۷۹ (۱۳۸۷)، ۲۸.

۳۴. محمدرضا گودرزی بروجردی، عباس جوانفر، «نارسایی‌های زندان»، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۹ و ۱۰ (۱۳۸۲)، ۱۱۰.

۳۵. رضایی‌نسب، پیشین.

۱-۲- تقلید از فرادستان

تارد معتقد است: تقلید از بالا به پایین یعنی از اشخاص بالادست و ارشد به افراد زیردست و پایین تر اشاعه پیدا می‌کند.^{۳۶} وی تاریخچه بزه‌هایی مانند ولگردی، مستی و قتل عمد را دنبال نمود و دریافت که ابتدا خاندان سلطنتی مرتکب این جرایم شده‌اند و سپس از سوی تمامی طبقات جامعه مورد تقلید قرار گرفته است.

همین‌طور، وی استدلال نمود شمار فراوانی از بزه‌ها ابتدا در شهرهای بزرگ به وجود آمده و سپس افراد ساکن در نواحی روستایی از آنها تقلید کرده‌اند.^{۳۷}

تقلید از فرادستان - که در واقع تقلید از الگوست - توسط بندورا تکمیل شد؛ او که به نقش عمده تأثیرپذیری از سرمشق توجه کرده بود، در همین زمینه می‌نویسد: «اگر الگوی تقلید عالی‌رتبه و یا جذاب باشد، احتمال تقلید بسیار زیاد است»^{۳۸}. جلوه‌هایی از این تقلید را می‌توان در قالب تقلید اشخاص از افراد مشهور جامعه، نظیر ستارگان سینما و قهرمانان ورزشی مشاهده کرد. تقلید از این گروه، به خصوص در بین جوانان، بسیار رایج است، تا آنجا که در بسیاری از کشورهای غربی، از سوی شرکت‌های تجاری بر روی اینگونه افراد سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام می‌شود. بسیاری از این شرکت‌ها برای فروش محصولات خود همه‌روزه مدهای جدیدی را طراحی و از طریق ستاره‌های سینما و یا قهرمانان ورزشی به مردم معرفی می‌کنند.

این امر در درون زندان پررنگتر است و تحت تأثیر این قانون، جرایم بسیاری در زندان واقع می‌شود. از جمله مهم‌ترین این جرایم می‌توان به جرایم جنسی، نزاع، درگیری و باج‌گیری اشاره کرد. «در فرهنگ زندان از کسی که مرتکب جرایم متعدد شده است به عنوان فرد زیرک و زرنگ نام برده می‌شود. عرف زندان چنین است که در هر سلول ۲۰ الی ۲۵ نفر سکونت دارند؛ یک نفر به عنوان ارشد، برای تنظیم امور روزانه انتخاب می‌شود، یکی از شرایط انتخاب ارشد، سابقه‌دار بودن فرد است»^{۳۹}. سابقه‌دار بودن، یک رابطه فرادستی در زندان محسوب می‌شود که افراد بی‌سابقه بر طبق عرف زندان باید از او تبعیت کنند. جرایم

۳۶. کسن، پیشین، ۹.

۳۷. ولد، پیشین، ۲۵۰.

۳۸. رابرت ویلیام لاندین، نظریه‌ها و نظام‌های روانشناسی، ترجمه یحیی سید محمدی (تهران: انتشارات

ویرایش، ۱۳۷۸)، ج ۱، ۱۹۵.

۳۹. گودرزی بروجردی، جوانفر، پیشین، ۱۱۲.

جنسی داخل زندان، اغلب تحت تأثیر این قانون رخ می‌دهد و اصولاً زمانی که یک مجرم، از لحاظ بدنی و جثه، ضعیف و یا از لحاظ سنی کم‌سن باشد، ممکن است قربانی این جرایم شود که از آن تحت عنوان «جرایم جنسی حمایتی» نام برده می‌شود، که طی آن زندانی ضعیف در اثر تجاوز یا ترس از تجاوز تحت حمایت زندانی قوی‌تر قرار می‌گیرد و با از دست دادن حیثیت خویش، امنیت خود را به دست می‌آورد.^{۴۰} همچنین پیروی زیردستان از بالادستان در داخل زندان، سبب وقوع جرم و همچنین تشکیل دسته‌جات و گروه‌های بزهکار می‌گردد. جرایم جنسی از مهم‌ترین جرایم ارتكابی در زندان تحت تأثیر این قانون است که تبعات روانی فراوان و غیر قابل جبرانی بر روی زندانی می‌گذارد.

۱-۳- تقلید در قالب مد

در کتاب «نظریه تقلید» گابریل تارد عنوان شده است که بعد از معرفی نمونه اول که مورد توجه اکثر افراد قرار بگیرد، شیوه‌های جدید ارتكاب اعمال مجرمانه گسترش پیدا می‌کند.^{۴۱} تارد این مسأله را با عنوان قانون «مد» معرفی کرد؛ برای نمونه، وی استدلال نمود که با توجه به قانون مد، قتل عمد ناشی از چاقو زدن کاهش یافته، در حالی که قتل عمد ناشی از تیراندازی افزایش یافته است.^{۴۲}

زمانی که در جامعه شیوه جدیدی برای بزهکاری پدید می‌آید، یا اینکه برای انجام جرم‌های قبلی از روش‌های جدید استفاده می‌شود، اصولاً تمامی بزهکاران برای انجام آن علاقه نشان می‌دهند و از آن روش‌ها استفاده می‌کنند و در حقیقت می‌توان گفت این جرایم و استفاده از روش‌های جدید برای ارتكاب آنها، در جامعه مد می‌شوند.^{۴۳} البته در این بین

۴۰. علی شمس، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زندان (تهران: انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۲)، ۴۳.

۴۱. کسن، پیشین، ۹۳.

۴۲. ولد، پیشین، ۲۵۰.

۴۳. در این زمینه دو مورد بارز در جامعه ایران وجود دارد: یکی مربوط به جریان اسیدپاشی است به گونه‌ای که پس از اولین مورد اسیدپاشی در ایران در سال ۱۳۳۴، قانونگذار در سال ۱۳۳۷ «قانون مربوط به مجازات پاشیدن اسید» را به تصویب رساند که مجازات‌های سنگینی را برای مرتکب این بزه پیش‌بینی نمود. با این همه، اسیدپاشی همچنان یکی از شیوه‌ها یا مدهای ارتكاب بزه باقی ماند، به طوری که هر از چندی در جامعه ایران تکرار شده و قربانی می‌گیرد. دومین مورد، مربوط به قتل‌های زنجیره‌ای است، به گونه‌ای که پس از قتل‌های زنجیره‌ای که توسط شخصی به نام غلامرضا خوش‌رو معروف به خفاش شب در سال‌های میانی دهه هفتاد ارتكاب یافت، رسانه‌ها به اندازه‌ای این موضوع را برجسته کردند که وی به یک قهرمان مبدل شد و به فاصله کمی چندین قاتل زنجیره‌ای دیگر در گوشه و کنار ایران سر برآوردند.

رسانه‌ها نیز نقش بسیار مهمی ایفاء می‌کنند؛ زمانی که با وقوع جرمی، اذهان عمومی مشوش می‌گردد، رسانه‌ها با به نمایش گذاردن و تشریح این جرایم و مانور بیش از حد بر روی این جریان، در تشدید این تشویش نقش مهمی به عهده دارند و دقیقاً پس از این جریان است که اینگونه جرایم در جامعه رو به فزونی می‌گذارد و گاه حتی رسانه‌ها، این مجرمان را به قهرمان تبدیل می‌کنند. البته از نظر تارد، تقلید در روستاها کمتر رواج دارد؛ از این رو تارد در روستاها مد را نپذیرفته و به جای آن واژه «عرف» را به کار می‌برد. وی بر این باور بود که تقلید از یک مد شروع و به عرف ختم می‌شود^{۴۴}. به همین کیفیت، مد و شیوه‌های ارتکاب نوین تر بزه در محیط زندان می‌تواند تأثیر فراوانی بر یادگیری ارتکاب جرایم داشته باشد.

۲- راستی آزمایی قوانین تارد در بین زندانیان زن استان‌های زنجان،

مرکزی و قم

راستی آزمایی صحت و سقم نظریات تارد در مورد تقلید و یادگیری در زندان، موضوعی است که زندانیان بهتر از هرکس دیگر می‌توانند به آنها پاسخ دهند؛ از این رو، محقق با طراحی پرسش‌نامه، نظر زندانیان را در این زمینه جویا شده است. جامعه آماری مورد مطالعه، زندانیان زن سه استان زنجان، مرکزی و قم هستند که در سال ۱۳۹۱ زندانی بوده و محکومیت آنها قطعی یا محرز بوده است. از آنجا که جامعه آماری محدود به سه استان فوق بوده است، تمامی زندانیان زن هر سه استان، در تکمیل پرسش‌نامه مشارکت کرده‌اند. کل جامعه آماری ۱۳۰ نفر بوده که از این میان، ۲۸ نفر زندانیان استان زنجان، ۳۶ نفر زندانیان استان مرکزی و ۶۶ نفر زندانیان استان قم بوده‌اند. پرسش‌نامه‌ها به صورت بی‌نام تکمیل شده و پژوهشگر در

شایان ذکر است اولین قاتل زنجیره‌ای ایران اصغر بروجردی معروف به اصغر قاتل بود که پس از کشتن ۲۵ کودک در عراق و ۸ کودک در ایران در سال ۱۳۱۳، در میدان توپخانه به دار آویخته شد؛ مجید سالک محمودی نیز اولین قاتل زنجیره‌ای زنان در ایران است که در سال ۱۳۶۵ در زندان خودکشی کرد، بدون آنکه به پرونده وی به صورت کامل رسیدگی شود؛ او در بین سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵، ۴۹ زن را به قتل رسانده بود. اگرچه کارآگاهان و بازپرس ویژه قتل اعتقاد داشتند که او بیش از ۱۰۰ زن را به قتل رسانده است، ولی خودکشی او تحقیقات و بازجویی‌ها را ناتمام گذاشت. این شخص با وجود آنکه اولین قاتل زنجیره‌ای زنان است، و میزان قربانیان وی نیز نسبت به غلامرضا خوش‌رو (که تعداد ۹ نفر را به قتل رسانده بود) بسیار بالاتر بود ولی هرگز در بین مردم به شهرت غلامرضا خوش‌رو نرسید؛ علت آن بود که مجید سالک محمودی در سال‌هایی مبادرت به قتل کرد که ایران در تلاطم جنگ با عراق قرار داشت و جنگ، موضوع قتل‌های وی را تحت‌الشعاع خود قرار داد.

هنگام پاسخ دادن به پرسش‌نامه‌ها خود در کنار زندانیان حضور داشته و عنداللزوم راهنمایی‌های لازم را ارائه داده است. تمام تلاش‌ها این بوده که زندانیان آزادانه به پرسش‌ها پاسخ گویند؛ میزان پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ در حدود $0/733$ به دست آمده که میزانی متوسط و قابل قبول است. پرسش‌نامه، با استفاده از نظر اساتید حقوق و علوم اجتماعی تدوین شده و بنابراین اعتبار پرسش‌نامه از نوع محتوایی بوده است.

در ارتباط با پژوهش کنونی، سه فرضیه که در راستای قوانین سه گانه گابریل تارد می‌باشند مطرح شده، و با استفاده از آزمون همبستگی و آزمون F ، فرضیه‌ها مورد آزمایش قرار گرفته، و در نهایت برخی از آنها تأیید و برخی دیگر رد شده‌اند. آمار آزمون برای مقایسه چندین میانگین نسبت F است؛ فرض بر این بوده که متغیر وابسته در مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری می‌شود. در واقع، آمار F ، این فرضیه اولیه را به آزمون می‌کشد که میانگین‌های جامعه مورد مطالعه که نمونه‌ها متعلق بدانهاست، مساوی‌اند.^{۴۵}

ضریب همبستگی نیز روشی است که بر اساس آن میزان رابطه میان دو متغیر (وابسته و مستقل) را ارزیابی می‌کند؛ این معیار که با R نشان داده می‌شود، ضریبی است که دامنه‌اش از -1 تا $+1$ است؛ مقدار صفر نشان‌دهنده آن است که بین دو متغیر هیچ رابطه‌ای وجود ندارد. $+1$ رابطه کامل را نشان می‌دهد، و -1 نشان رابطه منفی یا معکوس کامل است.

این مبحث در سه قسمت به بررسی پرداخته است؛ در قسمت اول در رابطه با موضوع تحقیق سه فرضیه مطرح شده که این سه فرضیه بر اساس قوانین سه گانه گابریل تارد بوده است. بخش دوم شامل آمار توصیفی است؛ این آمار، اطلاعاتی عمومی و کلی در مورد ویژگی شخصیتی، خانوادگی و نحوه زندگی زندانیان مورد مطالعه را به دست می‌دهد. قسمت سوم نیز دربرگیرنده آمار استنباطی است و در این بخش نگارنده فرضیه‌های مطروحه در قسمت اول را مورد سنجش قرار داده است.

۲-۱- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های تحقیق در مطالعه زندانیان زن سه شهر اراک، قم و زنجان، بر اساس قوانین فوق‌الاشاره تارد به شرح ذیل بوده‌اند:

۴۵. نورمن کوتز، مقدمه‌ای بر آمار در علوم اجتماعی، ترجمه حبیب‌الله تیموری (تهران: نشر نی، ۱۳۷۴)، ۲۱۵.

۱. بین نوع بزه زندانیان و تأثیرپذیری از دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان رابطه وجود دارد (قانون اول تارد = تقلید از نزدیکان).
۲. بین نوع بزه زندانیان و تأثیرپذیری از افراد سابقه‌دار در زندان رابطه وجود دارد. (قانون دوم تارد = تقلید از فرادستان)
۳. بین نوع بزه زندانیان و تأثیرپذیری از مد (شیوه ارتکاب جرم) در زندان رابطه وجود دارد (قانون سوم تارد = تقلید از مد).

پیش از ورود به سنجش فرضیه‌های تارد، بررسی آمار توصیفی در مورد وضعیت زندانیان زن در سه شهر فوق می‌تواند دورنمایی کلی از وضعیت زندانیان ارائه کند. این آمار توصیفی در دو بخش ارائه شده است؛ در بخش اول، اطلاعاتی کلی در مورد زندانیان زن سه شهر فوق ارائه شده است. آمار توصیفی بر مبنای وضعیت خانوادگی زندانیان، داشتن سابقه زندان بین اعضای خانواده و عوامل ارتکاب جرم ارائه شده است. در بخش دوم، اما تأثیر محیط زندان در ارتکاب جرم و تأثیر افراد سابقه‌دار بر افراد کم سابقه و تأثیر گذاری در محیط زندان از منظر قوانین تقلید تارد به لحاظ آماری مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲-۲- آمار توصیفی

جدول شماره ۱: وضعیت خانوادگی زندانیان

رابطه و وضعیت خانوادگی در دوران طفولیت		
درصد فراوانی	فراوانی	
۳۷	۴۸	خانواده از هم پاشیده
۶۳	۸۲	خانواده عادی
۱۰۰	۱۳۰	جمع

توجه به جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که فقط ۳۷ درصد زندانیان از خانواده‌های از هم گسیخته بوده‌اند. مراد از خانواده‌های از هم گسیخته، خانواده‌هایی است که دارای والدین معتاد بوده، یا والدین در آنها از هم طلاق گرفته، یا یکی از آنها فوت کرده بوده (خانواده‌های تک‌سرپرست) و یا اینکه پدر خانواده دارای چند همسر بوده است. با اینکه ۶۳ درصد باقیمانده - یعنی غالب زندانیان - از لحاظ وضعیت خانوادگی، دارای وضعیت عادی بوده‌اند، با این همه ۳۷ درصد از هم گسیختگی، همچنان نسبت بالایی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر آمار

مزبور مبین آن است که ۳۷ درصد جامعه مورد مطالعه از خانواده‌های برخوردار از ناهنجاری‌های متعدد بوده‌اند. در حقیقت در این خانواده‌ها والدین، وظایف خود را نسبت به آنان به درستی انجام نداده‌اند و فرزندان خویش را جامعه‌پذیر نساخته‌اند. این فرزندان اغلب رها شده و از طریق جذب در گروه‌های دوستی خلافکار به سمت انحراف کشیده شده‌اند.

جدول شماره ۲: داشتن سابقه زندان بین اعضای خانواده

داشتن سابقه زندان بین اعضای خانواده		
درصد فراوانی	فراوانی	
۲۰/۷	۲۷	دارای سابقه
۷۹/۳	۱۰۳	فاقد سابقه
۱۰۰	۱۳۰	جمع

جدول شماره ۲ نیز نشان‌دهنده آن است که تنها ۲۰ درصد زندانیان در بین اعضای خانواده خویش سابقه زندان داشته‌اند. داشتن سابقه زندان از این جهت به عنوان مؤلفه‌ای خاص مدنظر قرار گرفته تا بر انتقال آموزه‌های مجرمانه توسط افراد سابقه‌دار در خانواده به افراد فاقد سابقه تأکید نماید.

به طور کلی، نقش خانواده از آن جهت در آمار توصیفی مهم است که در بزهکاری فرزندان انکارناپذیر است و اصولاً به دو صورت قابل مشاهده است:

۱. نقش مستقیم: که به صورت یادگیری خشونت در اختلافات خانوادگی و دیگری اکتساب از طریق تقلید از والدین است؛
۲. نقش غیرمستقیم: که خلأهای عاطفی و تربیتی فرزندان در دوران کودکی و نوجوانی، موجبات کردارهای ضداجتماعی و احتمالاً بزهکاری وی را در دوران بزرگسالی، فراهم می‌آورد. اصولاً خانواده نفوذ غیرمستقیم بر بزهکاری فرزندان دارد.^{۴۶}

نقش غیرمستقیم خانواده، در بزهکاری فرزندان به صورت‌های مختلفی از جمله از هم پاشیدگی خانواده، جدایی کودک از والدین، محیط‌های خانوادگی متشنج و مانند آن قابل مشاهده است. نتایج یک تحقیق نشان می‌دهد که بین روابط عاطفی فرزندان با والدین و بزهکاری نوجوانان و همچنین بین اختلاف و مشاجره در خانواده و بزهکاری نوجوانان رابطه

۴۶. ریموند گسن، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۸)، ۱۸۴.

وجود دارد^{۴۷}. یکی از مهم‌ترین تحقیقات در زمینه نقش خانواده در بزهکاری فرزندان، فراتحلیلی است که ولز^{۴۸} و ران‌کین^{۴۹} در سال ۱۹۹۱ انجام داده‌اند. نتیجه تحقیقات آنها نشان می‌دهد که رواج بزهکاری در خانه‌های متلاشی ۱۵ تا ۲۰ درصد بیشتر از خانه‌های سالم است^{۵۰}. می‌توان چنین استنباط کرد که خانواده‌های از هم پاشیده سبب خروج فرزندان از خانه و پناه بردن به دوستان و همنشینان بزهکار شده و به یادگیری و الگوبرداری از دوستان بزهکار، منجر خواهد شد. چنانچه گفته‌اند: «فردی که علاقه‌مند به انتقام‌جویی از والدین خویش است، دسته‌های منحرفین را بهترین همکاران خواهد یافت»^{۵۱}. گابریل تارد در همین زمینه معتقد است: «بزهکار همواره نیاز دارد تا با جلب تأیید و تصدیق گروهی از افراد، مردان، اعضای فامیل، اجداد، دوستان و همسالان مورد تشویق قرار گیرد»^{۵۲}. یافته‌های پژوهشگر نیز نمایانگر آن است که نیمی از جامعه مورد مطالعه تحت تأثیر خانواده خویش مرتکب جرم شده‌اند.

جدول شماره ۳: عوامل ارتکاب جرم

عوامل ارتکاب جرم	فراوانی	درصد فراوانی
عوامل اجتماعی	۵۵	۴۲/۳۵
عوامل اقتصادی	۳۴	۲۶/۳۵
عوامل روان‌شناختی	۳۱	۲۳/۵۰
سایر موارد	۱۰	۷/۸۰
جمع	۱۳۰	۱۰۰/۰

توجه به جدول بالا نشان می‌دهد، که زندانیان عوامل اجتماعی را مهم‌ترین عامل ارتکاب جرم برای بار اول دانسته‌اند. حتی زندانیانی که مرتکب سرقت و یا جرایم اقتصادی شده بودند، مهم‌ترین علت ارتکاب جرم خود را عامل اجتماعی بیان کرده و اغلب اظهار می‌داشتند

۴۷. ابوالقاسم ریسی، «بررسی نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان»، فصلنامه دانش انتظامی ۲۴ (۱۳۸۴)، ۱۱۲.

48. Wells
49. Rankin

۵۰. مارش، پیشین، ۱۵۲.

۵۱. عظیمی، پیشین، ۵۱۵.

۵۲. کسن، پیشین، ۹۳.

که تحت تأثیر دوستان و یا خانواده مرتکب جرم شده‌اند. با توجه به این موضوع می‌توان گفت که یادگیری و تأثیرپذیری از اطرافیان مهم‌ترین علت ارتکاب جرم از سوی جامعه مورد مطالعه پژوهشگر بوده است. این موضوع با توجه به اینکه ۳۷ درصد جامعه مورد مطالعه به علت ارتکاب جرایم مربوط به مواد مخدر در زندان بسر می‌برند، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. چنان که با توجه به شرایط جغرافیایی ایران و همجواری با افغانستان و پاکستان و داشتن مرز مشترک با ترکیه که راه ورود مواد مخدر به اروپا است، قطعاً جرایم مربوط به مواد مخدر شایع‌ترین جرایم در اجتماع ایران است و افراد را به علل مختلف جذب خویش می‌نماید.

جدول شماره ۴: تأثیر محیط زندان در ارتکاب جرم در مرتبه دوم در زندانیان

تأثیر محیط زندان در ارتکاب جرم در مرتبه دوم در زندانیان		
میزان تأثیر	فراوانی	درصد فراوانی
بسیار زیاد	۴۹	۳۷/۷
زیاد	۳۳	۲۵/۴
متوسط	۱۳	۱۰/۰
کم	۱۲	۹/۲
خیلی کم	۲۳	۱۷/۷
جمع کل	۱۳۰	۱۰۰/۰

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که زندانیان، تأثیر محیط زندان در تکرار جرم را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند.

این مورد به صورت سؤال از زندانیان مورد پرسش قرار گرفت و همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیش از ۶۰ درصد جامعه آماری با انتخاب گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد تأثیر محیط زندان را در ارتکاب جرم مکرر - برای بار دوم - بسیار زیاد و زیاد دانسته‌اند.

جدول شماره ۵: تأثیر دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان در ارتکاب جرم

دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان در ارتکاب جرم چه در داخل زندان و چه بعد از زمان خروج		
میزان تأثیر	فراوانی	درصد فراوانی
بسیار زیاد	۶۸	۵۳/۳
زیاد	۳۶	۲۷/۷
متوسط	۱۵	۱۱/۵
کم	۵	۳/۸
خیلی کم	۵	۴/۶
جمع کل	۱۳۰	۱۰۰/۰

جدول شماره ۵ نیز میزان تأثیرگذاری دوستی‌های داخل زندان بر روی زندانیان را نشان می‌دهد. این سؤال در راستای قانون اول تارد - یعنی تقلید از نزدیکان - طراحی شده و همان‌طور که مشاهده می‌شود، قانون اول تارد را در جامعه مورد مطالعه تأیید می‌کند، به گونه‌ای که ۵۳ درصد زندانیان گزینه بسیار زیاد را انتخاب کرده‌اند.

جدول شماره ۶: تأثیر افراد سابقه‌دار بر افراد کم‌سابقه

تأثیر افراد سابقه‌دار بر افراد کم سابقه		
میزان تأثیر	فراوانی	درصد فراوانی
بسیار زیاد	۶۸	۵۳/۳
زیاد	۳۵	۲۶/۹
متوسط	۱۲	۹/۲
کم	۱۰	۷/۷
خیلی کم	۵	۳/۸
جمع کل	۱۳۰	۱۰۰/۰

جدول شماره ۶ میزان تأثیرگذاری افراد سابقه‌دار بر افراد فاقد سابقه را نشان می‌دهد. شایان توجه است این سؤال در راستای قانون دوم تارد - یعنی تبعیت فرودستان از فرادستان - طراحی شده است. زندانیان مورد مطالعه تبعیت از فرادستان را در حد بسیار زیاد مؤثر دانسته‌اند؛ از این رو قانون دوم تارد مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۷: تأثیرپذیری از مدهای جدید ارتکاب جرم در زندان

تأثیرپذیری از مد بر ارتکاب جرم		
میزان تأثیر	فراوانی	درصد فراوانی
بسیار زیاد	۶۸	۵۲/۳
زیاد	۳۵	۲۶/۹
متوسط	۱۱	۸/۵
کم	۱۱	۸/۵
خیلی کم	۵	۳/۸
جمع کل	۱۳۰	۱۰۰/۰

جدول هفتم تأثیرپذیری از مد و شیوه ارتکاب جرم را داخل زندان نشان می‌دهد؛ همان‌گونه که مشاهده می‌شود اغلب زندانیان تأثیرپذیری از مد در ارتکاب جرم را در حد بسیار زیاد مؤثر دانسته‌اند؛ این سؤال در راستای قانون سوم تارد طراحی شده و نتایج حاصل از آن، قانون سوم تارد را در جامعه مورد مطالعه تأیید می‌کند.

جدول شماره ۸: قوانین تقلید تارد و تأثیرگذاری محیط زندان

تأثیرگذاری محیط زندان برای ارتکاب جرم دوباره در زمان آینده		
الگوی تقلید	فراوانی	درصد فراوانی
معاشرت‌های داخل زندان از قبیل دوستی‌ها و مراودت‌های صمیمانه	۷۵	۵۷/۷
تبعیت افراد فرودست از فرادست (بی‌سابقه از سابقه‌دار)	۶	۴/۶
پیروی از الگوهای جدید بزهکارانه و توافقات درون زندانی بین زندانیان برای زمان بعد از خروج	۲۸	۲۱/۵
سایر	۱۵	۱۱/۵
پاسخ به بیش از یک گزینه	۶	۴/۶
جمع کل	۱۳۰	۱۰۰/۰

جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که قانون اول تارد - یعنی معاشرت‌ها و دوستی‌های داخل زندان - از نظر زندانیان مهم‌ترین عامل یادگیری و تقلید در زندان است و قانون سوم تارد - پیروی از الگوهای جدید بزهکارانه و توافقات درون زندانی - در رده دوم قرار می‌گیرد. همچنین تبعیت از فرادستان (قانون دوم تارد) رده سوم را به خود اختصاص داده است.

۲-۳- آمار استنباطی

آزمون فرضیه ۱: ضریب همبستگی دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان در ارتکاب جرم در داخل و در خارج زندان و نوع جرم

ضریب همبستگی دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان در ارتکاب جرم، چه در داخل و چه در خارج و نوع جرم زندانیان				
متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعداد	همبستگی	درجه معنی‌داری
دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان در ارتکاب جرم در داخل و خارج زندان	نوع جرم زندانیان	۱۳۰	۰/۱۶۴	۰/۰۴۳

درجه معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه رابطه ثابت می‌شود.

آزمون F فرضیه ۱: ارتباط بین نوع جرم زندانیان و تأثیرپذیری از دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	طبقات جواب	N	میانگین	F	معنی‌داری	Eta
نوع جرم زندانیان	تأثیر دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان	مواد مخدر	۵۰	۱/۷۰	۱/۰۸۷	۰/۰۳۷	۰/۳۶۵
		سرقت	۲۵	۱/۷۶			
		رابطه نامشروع	۲۴	۱/۹۱			
		قتل	۸	۱/۷۵			
		جرایم علیه اشخاص	۳	۳			
		آدم‌ربایی	۴	۱/۲۵			
		جرایم اقتصادی	۸	۱/۷۵			
		سایر جرایم	۸	۲/۹۵			

توجه به میزان پاسخ زندانیان تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که زندانیان

مرتکب جرایم علیه اشخاص، دوستی‌های داخل زندان را مؤثرتر از مؤلفه‌های دیگر می‌دانستند. این زندانیان شامل مرتکبین بزه معاونت در قتل، ایراد جرح عمدی با چاقو و همچنین معاونت در اسیدپاشی بودند. در رده بعدی مرتکبین سایر جرایم قرار می‌گرفتند؛ جرایم این دسته از زندانیان شامل تحریق عمدی، فیلمبرداری از صحنه زنا، حمل مشروبات الکلی، نزاع و درگیری و جرم سیاسی بود. جرایم مزبور جرایمی هستند که اغلب به صورت هیجانی یا اتفاقی و تحت تأثیر انگیزه‌های غیرمادی ارتکاب می‌یابند؛ به گونه‌ای که جداول فوق نشان می‌دهند، مرتکبین جرایم هیجانی و اتفاقی بیش از مرتکبین سایر جرایم تحت تأثیر دوستی‌های داخل زندان مرتکب جرم شده بودند، لکن زندانیانی که مرتکب جرایم مالی - اقتصادی و یا جرایمی با انگیزه‌های مادی بودند، تأثیرپذیری کمتری از دوستی‌های داخل زندان داشتند؛ برای نمونه، مرتکبین جرم آدم‌ربایی با ۱/۲۵ درصد کمترین تأثیرپذیری را از محیط زندان داشته‌اند.

نکته دیگری که از جدول بالا می‌توان استنباط کرد این است که میانگین پاسخ‌های مرتکبین جرایم غالب در جامعه (مواد مخدر، سرقت، رابطه نامشروع) کم و نزدیک بهم می‌باشد. در واقع مجرمین واقع در این گروه‌ها، تأثیرپذیری کمتری از دوستی‌های داخل زندان داشته‌اند. چنین به نظر می‌رسد که مرتکبین این جرایم (که در مرتبه اول مرتکبین جرایم مواد مخدر و در مرحله بعدی مرتکبین جرایم سرقت و روابط نامشروع می‌باشند)، بیش از آنکه از دوستی‌های داخل زندان تأثیر پذیرفته باشند اغلب از محیط خانوادگی و یا اجتماع تأثیر گرفته‌اند. این افراد در انتقال تجارب بزهکارانه در داخل زندان بسیار تأثیرگذار هستند؛ آموخته‌های خود را به واسطه دوستی با سایرین، به آنها انتقال می‌دهند و نوع جرم ارتكابی آنها از سوی دیگر مجرمان، بیشتر مورد تقلید و یادگیری قرار می‌گیرد. مرتکبین جرایم اتفاقی با انگیزه‌های غیرمادی بیش از سایرین تحت تأثیر آموزش‌های این افراد قرار می‌گیرند و احتمال آنکه مرتکبین این جرایم پس از خروج از زندان با استفاده از آموخته‌های داخل زندان و یا با رجوع مستقیم به دوستی‌های داخل زندان مرتکب جرایم غالب در جامعه زندان شوند، بسیار زیاد است.

آزمون فرضیه ۲: ارتباط بین نوع جرم زندانیان و تأثیرپذیری از افراد سابقه‌دار (قانون دوم تارد)

ضریب همبستگی تأثیر افراد سابقه‌دار به افراد کم‌سابقه یا فاقد سابقه و فاصله زمانی بازگشت به زندان				
متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعداد	همبستگی	درجه معنی‌داری
تأثیر افراد سابقه‌دار بر افراد کم‌سابقه یا فاقد سابقه	نوع جرم زندانیان	۱۳۰	۰/۰۲۵	۰/۷۸۰

درجه معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد در نتیجه فرضیه رد می‌شود.

آزمون F فرضیه ۲: ارتباط بین نوع جرم زندانیان و تأثیرپذیری از افراد سابقه‌دار

متغیر مستقل	متغیر وابسته	طبقات جواب	N	میانگین	F	معنی‌داری	Eta
نوع جرم زندانیان	تأثیر افراد سابقه‌دار بر افراد بی‌سابقه	مواد مخدر	۵۰	۱/۹۶	۰/۶۱۸	۰/۸۶۴	۰/۲۸۴
		سرقت	۲۵	۱/۶۸			
		رابطه نامشروع	۲۴	۱/۷۹			
		قتل	۸	۲/۰۰			
		سایر جرایم علیه اشخاص	۳	۲			
		آدم‌ربایی	۴	۱/۵۰			
		جرایم اقتصادی	۸	۱/۷۴			
		سایر جرایم	۸	۱/۶۲			

در این فرضیه تلاش شده بین نوع جرم زندانیان و تأثیرپذیری از افراد سابقه‌دار رابطه برقرار شود. توجه به میانگین پاسخ‌های زندانیان نشان‌دهنده آن است که بین میانگین پاسخ‌ها، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد؛ مرتکبین تمامی جرایم در زندان به یک میزان تأثیرپذیری افراد فاقد سابقه از افراد سابقه‌دار را مؤثر می‌دانستند و هیچ گروهی تأثیرپذیری را

کمتر یا بیشتر از گروه‌های دیگر نمی‌دانستند. از سوی دیگر رابطه مورد نظر معنی‌دار نیست؛ بنابراین فرضیه مورد نظر رد می‌شود. افراد سابقه‌دار در فرضیه حاضر به عنوان افرا فرادست در نظر گرفته شده‌اند و نتیجه اینکه قانون دوم تارد در زندان‌های فوق تأیید نمی‌شود. اگرچه با توجه به جدول شماره ۶، اغلب زندانیان مورد مطالعه معتقد بودند که افراد سابقه‌دار تأثیری در حد بسیار زیاد بر روی افراد فاقد سابقه دارند، ولی می‌توان گفت که این تأثیر به صورت دوستی‌های داخل زندان یعنی تحت تأثیر قانون اول تارد نمود داشته و نه به صورت تبعیت از فرادستان؛ توضیح بیشتر اینکه زندانیان تحت تأثیر دوستی‌های داخل زندان که اغلب افراد سابقه‌داری هستند قرار گرفته و مرتکب جرم می‌شوند. جدول شماره ۷ نیز مؤید این مطلب است که از بین قوانین سه‌گانه گابریل تارد قانون دوم - تبعیت از فرادستان - کمترین میزان را به خود اختصاص داده است.

آزمون فرضیه ۳: ارتباط بین نوع جرم زندانیان و تأثیرپذیری از مد حاکم بر زندان (قانون سوم تارد)

ضریب همبستگی بین مد حاکم بر زندان و نوع جرم زندانیان				
متغیر وابسته	متغیر مستقل	تعداد	همبستگی	درجه معنی‌داری
مد بزهکارانه حاکم بین زندان	نوع جرم زندانیان	۱۳۰	۰/۰۳۱	۰/۰۲۰

درجه معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه رابطه ثابت می‌شود.

آزمون F فرضیه ۳: ارتباط بین نوع جرم زندانیان و تأثیرپذیری از مد حاکم بر زندان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	طبقات جواب	N	میانگین	F	معنی‌داری	Eta
نوع جرم زندانیان	مد حاکم بر زندان	مواد مخدر	۵۰	۱/۷۰	۱/۲۸۱	۰/۰۲۰	۰/۴۵۷
		سرقت	۲۵	۱/۷۴			
		رابطه نامشروع	۲۴	۱/۸۵			
		قتل	۸	۱/۷۵			
		جرایم علیه اشخاص	۳	۳			
		آدم‌ربایی	۴	۱/۷۵			
		جرایم اقتصادی	۸	۱/۲۵			

			۳/۰۲	۸	سایر جرایم		
--	--	--	------	---	------------	--	--

توجه به جدول بالا تفاوت معنی داری بین میزان پاسخ‌های زندانیان نشان می‌دهد، به گونه‌ای که مرتکبین سایر جرایم با ۳/۰۲ بیشترین میانگین پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، این جرایم شامل تحریق عمدی، فیلمبرداری از صحنه زنا، نزاع و درگیری، حمل مشروبات الکلی و جرم سیاسی می‌باشد. این جرایم اغلب به صورت هیجانی یا اتفاقی و تحت تأثیر انگیزه‌های غیرمادی صورت پذیرفته‌اند. از آنجا که این جرایم توسط زنان به ندرت رخ می‌دهد و در نتیجه کل، جامعه آماری مورد مطالعه در این موارد نیز کم است، لذا بزه‌های این دسته تحت عنوان سایر جرایم قرار گرفته‌اند. همان‌گونه که میزان پاسخ‌های زندانیان نشان می‌دهد، مرتکبین این جرایم، مد و شیوه ارتکاب جرم را مؤثرتر از گروه‌های دیگر می‌دانستند. مرتکبین جرایم علیه اشخاص (بزه معاونت در قتل، جرح عمدی با چاقو و همچنین معاونت در اسیدپاشی) در رده بعدی قرار داشتند. این بزه‌ها نیز مانند جرایم فوق، به صورت اتفاقی و هیجانی رخ می‌دهند و مرتکبین این جرایم علت ارتکاب جرم خود را عوامل غیرمادی بیان کرده‌اند. نکته دیگر این‌که مرتکبین این دو گروه از محیط خانوادگی سالمی برخوردار بوده و لذا احتمال آنکه از سوی خانواده خود طرد شوند، بیش از سایر گروه‌هاست و مسلماً این طردشدگی تأثیرپذیری از آثار مخرب حبس را برای آنان چند برابر می‌کند.

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد، مرتکبین جرایم غالب در جامعه مورد مطالعه (مواد مخدر، سرقت و رابطه نامشروع)، مد و شیوه ارتکاب جرم را به میزانی کم و نزدیک بهم مؤثر دانسته‌اند. در حقیقت به مانند فرضیه اول، مرتکبین جرایم غالب (که در مرتبه اول مواد مخدر و در مرحله بعدی سرقت و سپس روابط نامشروع می‌باشند) و اکثریت جامعه زندان را تشکیل می‌دهند، آموزه‌های خود در خصوص مد و شیوه ارتکاب جرم را به سایرین انتقال می‌دهند. این جرایم که مد حاکم بر زندان‌های مورد بررسی را تشکیل می‌دهند، از سوی دیگر بزهکارانی که در اقلیت قرار گرفته‌اند، بیشتر مورد تقلید و یادگیری قرار گرفته و احتمال آنکه مرتکبین این جرایم پس از خروج از زندان مرتکب جرایم غالب در جامعه زندان شوند، بسیار زیاد است. تحت تأثیر این فرضیه، قبح عمل در بین زندانیان در زندان فرو می‌ریزد و زندانی‌ای که به صورت هیجانی یا اتفاقی مرتکب جرم شده پس از خروج از زندان مرتکب جرم‌های سنگین‌تر و بیشتر و از نوع جرایم حاکم بر جو زندان خواهد شد. بدین ترتیب قانون

سوم تارد نیز در جامعه مورد مطالعه ثابت می‌شود.

نتیجه

در مبحث حاضر با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و اطلاعات به دست آمده از پیمایش میدانی، محقق از مباحث مطرح‌شده، نتیجه و پیشنهادات ذیل را ارائه کرده است:

۱. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از جامعه آماری مورد مطالعه پژوهشگر یا از خانواده‌های از هم پاشیده (شامل خانواده‌هایی که یکی از والدین در دوران طفولیت فوت کرده، والدین معتاد داشته یا پدر دارای چند همسر بوده است) بوده و یا اینکه اعضای خانواده سابقه زندان داشته‌اند که این میزان در بین افراد سابقه‌دار ۵۴ درصد بوده است. از سوی دیگر، ۵۰ درصد بزهکارانی که در بین اعضای خانواده خویش سابقه زندان داشته و یا از خانواده از هم پاشیده بودند مرتکب جرایم مربوط به مواد مخدر و ۲۲ درصد مرتکب رابطه نامشروع شده بودند. بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد، که ۶۰ درصد کسانی که در جامعه مورد مطالعه، مرتکب جرایم مرتبط با مواد مخدر گردیده‌اند، یا از خانواده‌های از هم گسیخته بوده و یا اعضای درجه یک خانواده آنها سابقه زندان داشته‌اند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، خانواده نقش اصلی و بی‌بدیل در تربیت فرزندان دارد و در بزهکاری فرزندان به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم، نقش‌آفرین است؛ یافته‌های پژوهشگر حاکی از آن است که ۵۰ درصد زندانیان مورد مطالعه به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم تحت تأثیر خانواده، مرتکب جرم شده‌اند که البته نقش غیرمستقیم خانواده پررنگ‌تر بوده است. همچنین، از آنجا که جرایم غالب در جامعه ایران، جرایم مربوط به مواد مخدر می‌باشد، گرایش به ارتکاب این جرایم در بین این افراد بیشتر از جرایم دیگر بوده است. در حقیقت، محیط متشنج خانواده این افراد را به اجتماعی که بزه غالب در آن مرتبط با مواد مخدر است، سوق داده و در دامن دوستان و هم‌نشینیان بزهکار، رها ساخته است و آنها تحت تأثیر یادگیری و تقلید از دوستان مجرم، بزهکار شده‌اند.

در این زمینه در مرحله اول پیشنهاد می‌شود، سرپرستی فرزندان را از خانواده‌های بدسرپرست که والدین آنها مرتکب بزه‌های شدید شده و توان سرپرستی و جامعه‌پذیر ساختن آنان را ندارند سلب و در راستای حفظ حقوق کودکان و فراهم آوردن زمینه‌های مساعد جهت رشد و تعالی افراد جامعه، دولت مسؤولیت سرپرستی این

کودکان را برعهده گیرد و یا به خانواده‌های صالح که فاقد اولادند، بسپارد. از آنجا که نقش غیرمستقیم خانواده بسیار پررنگ‌تر از نقش مستقیم آن در بزهکاری فرزندان است که به صورت‌های مختلف، نظیر جدایی والدین و مرگ آنها قابل مشاهده است، و با توجه به افزایش میزان طلاق در سال‌های اخیر، مدیریت مؤثرتر فرهنگی و تلاش در راستای حفظ و اشاعه فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی و همچنین توجه به نیازمندی‌های خانواده‌ها و به ویژه قشر جوان، ترویج استفاده از خدمات مشاوره‌ای و روانشناسی، افزایش سن فرزندآوری و همچنین توجه به قشر آسیب‌پذیر جامعه بسیار حائز اهمیت است.

۲. زندانیان مورد مطالعه، مهم‌ترین علت ارتکاب بزه را عوامل اجتماعی (اعم از خانواده و اجتماع) بیان داشتند. به عبارت بهتر، زندانیان مهم‌ترین علت ارتکاب بزه را تأثیرپذیری از خانواده و یا دوستان و هم‌نشینان بیان داشته و عوامل اقتصادی را در مرتبه بعدی عنوان نمودند. این موضوع، از آنجا که بزه غالب در ایران، جرایم مرتبط با مواد مخدر است اهمیت پیدا می‌کند، چه، همان‌گونه که مشاهده شد، نزدیک به نیمی از بزهکاران زندان‌های فوق به علت ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در زندان بسر می‌برند؛ در حقیقت، این مجرمان تحت تأثیر آموزه‌ها و بزه غالب در اجتماع ایران به ارتکاب جرم روی آورده‌اند. از این رو تلاش در راستای بازتعریف سیاست‌ها و مبارزه با اینگونه جرایم اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

۳. زندانیان محیط زندان را در ارتکاب جرم برای بار دوم، در حد بسیار زیاد و زیاد، مؤثر می‌دانستند. این میزان در بین افراد سابقه‌دار ۶۷ درصد و بین افراد فاقد سابقه، ۵۰ درصد بود. بنابراین قریب به هفتاد درصد افراد سابقه‌دار، نقش محیط زندان را در تکرار جرم مؤثر می‌دانستند؛ لکن از ۲۳ درصد باقی افراد سابقه‌داری که نقش محیط زندان را در تکرار جرم چندان مؤثر نمی‌دانستند، بیش از ۵۰ درصد آنان از میان خانواده‌های از هم پاشیده و یا دارای سابقه زندان بودند که به نظر می‌رسد در خصوص این افراد، تأثیر محیط خانواده بیش از محیط زندان بوده و در مقایسه با محیط زندان، الگوبرداری و تقلید از محیط خانواده عامل مؤثرتری در تکرار جرم برای این دسته از افراد بوده است.

۴. زندانیان مورد مطالعه دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان در ارتکاب جرم چه در داخل زندان و چه پس از خروج از آن راه، در حد بسیار زیاد و زیاد، مؤثر می‌دانستند، به

گونه‌ای که ۵۳ درصد در حد بسیار زیاد و در مجموع بیش از ۸۰ درصد به گزینه زیاد و بسیار زیاد اشاره کردند. در جهت کاهش این آثار مخرب پیشنهاد می‌شود استفاده از حبس کاهش و استفاده از جایگزین‌های حبس گسترش یابد؛ خوشبختانه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ طی مواد ۶۴ تا ۸۷ خود توجه ویژه‌ای به این موضوع داشته و مجازات‌های جایگزین را - که تا قبل از تصویب قانون محاکم معدودی با تفسیرهای خود از قانون به آن اعتبار داده بودند - به رسمیت شناخته است.

۵. زندانیان مورد مطالعه از بین قوانین سه‌گانه گابریل تارد، از روابط دوستانه بین زندانیان و ایجاد صمیمت بین آنان به عنوان مهم‌ترین عامل و همچنین از قانون سوم یعنی تبعیت از مد و رواج جرم داخل زندان به عنوان دومین عامل تکرار جرم و تقلید زندانیان از یکدیگر یاد کرده‌اند.

۶. نتیجه آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که بین نوع جرم زندانیان و تأثیرپذیری از دوستی‌های داخل زندان رابطه مستقیمی وجود دارد. به این معنی که زندانیانی که نوع جرمشان جرایم غالب (شامل: مواد مخدر، سرقت و رابطه نامشروع) نبود، دوستی‌ها و معاشرت‌های داخل زندان را مؤثرتر از افرادی می‌دانستند که جرم آنها جرم غالب در جامعه مورد مطالعه بود. در حقیقت، این افراد که اغلب مجرمین هیجانی و اتفاقی بودند، تحت تأثیر آموزه‌های داخل زندان قرار گرفته و جرایم غالب در جامعه و دوستی با مرتکبین این جرایم بر روی این افراد تأثیرگذارتر بوده است. از سوی دیگر، این افراد اغلب مجرمین هیجانی و اتفاقی بودند که غالباً محیط خانوادگی سالمی داشته و طرد آنها از سوی اجتماع و خانواده، بیشتر از سایر مجرمان بوده و به نظر می‌رسد رجوع آنان به دوستی‌های داخل زندان بیشتر از سایر بزهکاران باشد. این فرضیه در راستای قانون اول تارد طراحی شده بود که در زندان‌های مورد مطالعه پژوهشگر، فرضیه مورد نظر تأیید گردید.

۷. در فرضیه دوم، پژوهشگر به دنبال آن بود که بین تأثیرپذیری از افراد سابقه‌دار و نوع جرم زندانیان رابطه برقرار کند؛ این فرضیه در راستای قانون دوم تارد طراحی شده بود که در جامعه مورد بررسی پژوهشگر، فرضیه مورد نظر رد شد.

۸. فرضیه سوم نیز به بررسی نوع جرم ارتكابی زندانیان و تبعیت از مد پرداخته است، که در نهایت این فرضیه نیز به مانند فرضیه اول تأیید گردیده است؛ بدین صورت که در جامعه مورد مطالعه، زندانیانی که نوع جرمشان، جرایم غالب (شامل: مواد مخدر،

سرقت و رابطه نامشروع) نبود، تأثیرپذیری از مدد در زندان را مؤثرتر از افرادی می‌دانستند که جرم آنها از جمله جرایم غالب بود. مرتکبین این جرایم که - اغلب با انگیزه‌های غیرمادی و به صورت اتفاقی صورت پذیرفته بود - تأثیرپذیری از مدد بر زندان را مؤثرتر از گروه‌های دیگر می‌دانستند. چنین به نظر می‌رسد که بر اساس این فرضیه، قبح عمل از بین رفته و ارتکاب جرم راحت‌تر می‌شود. لذا در جهت کاهش آثار منفی حبس پیشنهاد می‌شود، علاوه بر اینکه استفاده از حبس کاهش یابد، در صورت استفاده، زندان‌ها هرچه دقیق‌تر طبقه‌بندی شوند؛ عدم توجه به طبقه‌بندی زندانی‌ها و مجاورت بزهکاران که مرتکب جرایم مختلف شده بودند از مهم‌ترین عوامل یادگیری در زندان است که حتی خود زندانیان به هنگام تکمیل پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه با پژوهشگر به آن اشاره کرده بودند.

۹. همچنین در زمینه طبقه‌بندی توصیه می‌شود که:

الف. به نوع جرم زندانیان توجه شود و مرتکبین جرایم خرد از مرتکبین سایر جرایم، نظیر مرتکبین جرایم مرتبط با مواد مخدر جدا شوند؛
ب. به سابقه‌دار بودن زندانی توجه شود و افراد سابقه‌دار در مجاورت با افراد فاقد سابقه قرار نگیرند؛

ج. به مدت محکومیت زندانی توجه شود و افرادی که سالیان طولانی در زندان بوده‌اند در کنار افرادی که محکومیت کوتاه‌مدت دارند قرار نگیرند؛

د. حتی‌الامکان برای افراد کم‌سن از کیفر حبس استفاده نشود؛ این افراد علاوه بر اینکه در سن جوانی قرار دارند و با ورود به زندان آینده آنان در معرض نابودی قرار می‌گیرد، امکان دارد در معرض سوءاستفاده سایر زندانیان قرار گیرند و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر آنها وارد شود. لذا حتی در صورت استفاده از زندان برای این افراد، توصیه می‌شود که با افراد جوان‌تر که از هر لحاظ به خودشان نزدیک باشند، در یک بند قرار گیرند.

فهرست منابع

- توسلی، غلامعباس. *مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- دادستان، پریخ. *روانشناسی جنایی*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- رضایی نسب، مسعود. «آسیب‌های موجود در زندان». *اصلاح و تربیت* ۷۹ (۱۳۸۷): ۳۴-۲۷.
- ریسی، ابوالقاسم. «بررسی نقش خانواده در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان». *فصلنامه دانش انتظامی* ۲۴ (۱۳۸۴): ۱۱۱-۱۰۸.
- زارع، حسین. *روانشناسی عمومی*. تهران: انتشارات پیام نور، ۱۳۹۰.
- زارع، حسین. *روانشناسی یادگیری*. تهران: انتشارات پیام نور، ۱۳۹۰.
- شمس، علی. *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زندان*. چاپ اول. تهران: انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۲.
- عظیمی، سیروس. *روانشناسی عمومی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات صفار، ۱۳۷۲.
- فوکو، میشل. *مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان*. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده. چاپ نهم. تهران: نشر نی، ۱۳۹۰.
- کدیور، پروین. *روانشناسی یادگیری*. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- کسن، موریس. *اصول جرم‌شناسی*. ترجمه میرروح‌الله صدیق. چاپ دوم. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۵.
- کوتر، نورمن. *مقدمه‌ای بر آمار در علوم اجتماعی*. ترجمه حبیب‌الله تیموری. چاپ اول. تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.
- گسن، ریموند. *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه مهدی کی‌نیا. چاپ سوم. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا، عباس جوانفر. «نارسایی‌های زندان». *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی* ۹ و ۱۰ (۱۳۸۲): ۱۲۰-۱۱۰.
- لان‌دین، رابرت ویلیام. *نظریه‌ها و نظام‌های روانشناسی*. ترجمه یحیی سید محمدی. ج ۱. تهران: انتشارات ویرایش، ۱۳۷۸.
- مارش، یان، گینور ملویله، کیت مورگان، گارت نوریس، و ژو والکینتن. *نظریه‌های جرم*. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، حمید هاشم‌بیگی. *دانشنامه جرم‌شناسی*. تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۰.
- ولد، جرج و همکاران. *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه علی شایان. چاپ هفتم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
- هرنگنهان، بی. آر، و میتواچ اولسون. *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*. ترجمه علی‌اکبر سیف، تهران: نشر دانا، ۱۳۷۴.

The Analysis of Effects of Imprisonment on Prisoners Based on “Gabriel Tarde’s Imitation Laws”

Mehdi Fazli

Lecturer of Islamic Azad University, Tehran Shomal Unit

&

Shahin Darabipanah

Responsible Writer, Lecturer of Payame Noor University of Zanjan

Abstract

Imprisonment as main punishment, has received lots of criticisms in all countries around the world. One of most important critiques on imprisonment is the problem of imitation and learning of crime inside the prison. “Crime Learning” theory first was published in French scholar -“Gabriel Tardes”- works, and led to triplet” Imitation Laws” by him. The main object of this article is to examine the crime learning theory in the light of his imitation laws. Methodology of research is combination of descriptive and field-setting method and instrument of research is researcher-made questionnaire. Justifiability of questionnaire has been confirmed by professors of law and social sciences and its stability has acquired 73% using Cronbach'salpha. Statistical population has been all 130 Iranian Female prisoners in Zanjan, Qom and Arak prisons in 2012. For verification of Tarde's laws, three hypotheses were extracted based on his triplet laws; these hypotheses then are analyzed using descriptive statistics, “F” analysis and correlation coefficient. Two hypothesizes out of three were proved. In other words, the relation between kind of crime and intercommunications inside the prison was proved; in addition, relationship between kind of crime and being affected by mode of crime was demonstrated; while there was no meaningful relationship between kind of crime and criminal background of prisoners.

Keywords: Imprisonment, Learning, Cognitive Theories, Professional Criminals, Imitation Laws, Gabriel Tarde.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. IV, No. 1

2016-1

- **The Analysis of Effects of Imprisonment on Prisoners Based on "Gabriel Tarde's Imitation Laws"**
Mehdi Fazli & Shahin Darabipanah
- **Remote Testimony (Analysis Article 186 of the Islamic Penal Code)**
Abolghasem khodadi (Ph.D.) & Ali Khaledi
- **Assessing Effectiveness of Testimony Psychology in Scientific Procedure of Tehran City Courts**
Mohammad Ashouri (Ph.D.) & Asiye Akbarisharak
- **Unilateral Sanctions against Iran in the Context of International Criminal Law: Crime against Humanity?**
Sayed Ghasem Zamani (Ph.D.) & Hossein Farahi & Aramesh Shahbazi (Ph.D.)
- **The Concurrence of the International Responsibility of Individual and State for Aggression**
Hilda Rezaee & Sadegh Salimi (Ph.D.)
- **Restorative Aspects of Plea Bargaining in the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)**
Fateme Sadat Ghoreishi & Mahdi Momeni (Ph.D.)



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study